

پاسخنامه ۱۰۰ تست واژگان (مکمل)

۱- گزینه «۲» تغییرات قریب الوقوع لایحه دولت باعث می‌شود فشاری که در طول تغییرات امنیتی اجتماعی تجربه می‌شود، عادی جلوه داده شود.

(۱) مجلل (۲) قریب الوقوع (۳) بومی (۴) مجلل، گران قیمت
impending به معنی قریب الوقوع می‌باشد و با imminent هم معنی می‌باشد.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|------|-----------|-----------------|---------------|
| GRE | elegant | مجلل | luxurious |
| 1100 | native | بومی | indigenous |
| 1100 | luxurious | مجلل، گران قیمت | opulent |

۲- گزینه «۱» به خاطر اقتصاد ضعیف، این امکان وجود دارد که افراد بیکار با درخواست‌های بسیار در خصوص کمک‌های مالی، دولت را به ستوه بیاورند.

(۱) به ستوه آوردن (۲) تخصیص دادن (۳) مناسب کردن (۴) یکپارچه کردن
besiege sb. with sth. به معنی کسی را با چیزی به ستوه آوردن می‌باشد و با overwhelm مترادف می‌باشد.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-----------|-----------|--------------|---------------|
| Essential | allot | اختصاص دادن | allocate |
| GRE | customize | مناسب کردن | tailor |
| GRE | merge | یکپارچه کردن | integrate |

۳- گزینه «۲» برنامه ساخت ورزشگاه جدید بیس بال عملی می‌باشد و برای کسب حمایت عموم فرصت خوبی می‌باشد.

(۱) فاجعه‌انگیز (۲) عملی، ممکن (۳) جادار (۴) ناچیز
viable به معنی عملی، ممکن می‌باشد و با feasible مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-----------------|----------------|-----------------|---------------|
| 1100 | disastrous | فاجعه‌انگیز | catastrophic |
| Essential | capacious | جادار، وسیع | spacious |
| 1100, Essential | inconsiderable | ناچیز، بی‌اهمیت | negligible |

۴- گزینه «۴» تحقیقی که در مؤسسه کابوت دانشگاه بریستول انجام شد و این هفته به چاپ رسید، شواهدی از نرخ تغییر زیست محیطی بی‌سابقه فراهم می‌آورد.

(۱) پیش‌گویانه (۲) فصیح (۳) فعال، پرکار (۴) بی‌سابقه
unprecedented به معنی بی‌سابقه می‌باشد و با unparalleled مترادف می‌باشد.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-----------|----------------------|-------------|---------------|
| Essential | predictive | غیب‌گویانه | prophetic |
| GRE | persuasive | فصیح | eloquent |
| 1100, GRE | producing abundantly | فعال، پرکار | prolific |



۵- گزینه «۳» مردی که چند هفته قبل اعدام شد، به تحریک مردم به خشونت نسبت به شاه متهم بود.

- (۱) هدایت کردن (۲) وارد نمودن (انتقاد، اتهام ...) (۳) تحریک کردن (۴) موکول کردن
Incite به معنی تحریک کردن است و با provoke مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-------|-------------|----------------|---------------|
| TOEFL | sail across | هدایت کردن | navigate |
| TOEFL | direct | وارد نمودن | level |
| 1100 | delay | به عقب انداختن | procrastinate |

۶- گزینه «۳» جهت ریشه کن کردن فساد به افرادی نیاز داریم که فسادناپذیر باشند و آنچه که چنین افرادی را به وجود می‌آورد، معنویت می‌باشد.

- (۱) برانگیختن، برافروختن (۲) فراخواندن (۳) محو کردن، ریشه کن کردن (۴) جایگزین کردن، جای ... را گرفتن
extirpate به معنی محو کردن می‌باشد و با extinguish مترادف می‌باشد.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|------|-------------|-----------------------|---------------|
| GRE | stimulate | برافروختن، تحریک کردن | provoke |
| GRE | bring forth | فراخواندن | invoke |
| GRE | replace | جای ... را گرفتن | supersede |

۷- گزینه «۴» اعتماد در همه نوع روابط اجتماعی مهم است. اما نقش آن در فعالیتهای مخفی سازمان‌هایی مخفی که در شرایط ریسکی عملیات می‌کنند، بسیار حائز اهمیت است.

- (۱) بی تفاوت (۲) ابدی، همیشگی (۳) پربرکت، پرانرژی (۴) مخفی
clandestine به معنی مخفی می‌باشد و با covert مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-----------|-----------------|-----------------|---------------|
| Essential | apathetic about | بی تفاوت | indifferent |
| GRE | ever-lasting | ابدی، همیشگی | perpetual |
| GRE | ebullient | پربرکت، پرانرژی | exuberant |

۸- گزینه «۱» جین آستن از نظر طرفدارانش، به خاطر شوخ‌طبعی، عزم و شخصیت‌های خاطره‌انگیزش شهرت دارد.

- (۱) مشهور، بلند آوازه (۲) سرسخت، لجوج (۳) زشت، غیر اخلاقی (۴) کسل کننده، بی‌روح
illustrious به معنی بلند آوازه می‌باشد و با eminent مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|------|-----------|-------------------|---------------|
| GRE | stubborn | سرسخت، لجوج | obdurate |
| 1100 | vicious | زشت | nefarious |
| GRE | laborious | کسل کننده، بی‌روح | ponderous |

۹- گزینه «۱» اگر چه رقبا به وی پیشنهاد رشوه دادند، ولی وی حاضر نشد تا هر گونه اطلاعاتی را در خصوص محصول آتی شرکت فاش کند.

- (۱) فاش کردن، افشا کردن (۲) فرونشاندن (۳) امر کردن (۴) تحمیل کردن

divulge به معنی افشا کردن می‌باشد و با reveal و disclose مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-----------|----------------|----------------------|---------------|
| 1100, GRE | appease | فروشانندن، آرام کردن | mollify |
| Essential | give orders to | امر کردن | dictate |
| TOEFL | foist | تحمیل کردن | impose |

۱۰- گزینه «۳» پلیس مخفی خانه را تحت نظارت مداوم قرار داده است تا در دستگیری و محاکمه مجرمان نهایت تلاش خود را به کار گرفته باشد. (۱) تلاطم، آشفتگی (۲) ستایش، تحسین (۳) نظارت (۴) تغییر ظاهر، قیافه surveillance به معنی نظارت می‌باشد و با observation مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-----------|------------|-----------|---------------|
| GRE | turmoil | آشفتگی | turbulence |
| GRE | tribute | ستایش | accolade |
| 1100, GRE | appearance | ظاهر، شکل | guise |

۱۱- گزینه «۴» دولت اکنون باید مخالفان را متقاعد سازد که برنامه‌اش برای افزایش منابع مالی برای مراقبت روزانه منجر به افزایش مالیات نمی‌شود. (۱) میدان، طرفداران (۲) طرفداران (۳) کفار (۴) مخالفان، افراد شکاک skeptic به معنی شکاک است و با cynic مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|------|------------|----------------|---------------|
| GRE | enthusiast | مرید | devotee |
| GRE | advocate | طرفدار | proponent |
| GRE | heretic | کافر، خدانشناس | atheist |

۱۲- گزینه «۳» چون که تنها چند دقیقه تا اتمام کلاس مانده بود، استاد سریعاً سعی نمود سؤالات مرتبط با سخنرانی امروز را پاسخ دهد. (۱) غیرقابل فهم برای (۲) مستعد به (۳) مربوط به (۴) متمایل به germane به معنی مربوط می‌باشد و با pertinent مترادف می‌باشد.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-----------|------------------|----------------------|---------------|
| GRE | incomprehensible | نامحسوس، غیرقابل فهم | impalpable |
| Essential | inclined | مستعد | prone |
| TOEFL | predisposed | متمایل | inclined |

۱۳- گزینه «۲» کارمند جوان سریعاً ترفیع رتبه گرفت زمانی که رؤسای وی متوجه سخت‌کوشی وی شدند. (۱) غیرقابل کنترل، سرکش (۲) سخت‌کوش (۳) دودمی، دودل (۴) بی‌رحم، وحشی industrious به معنی سخت‌کوش می‌باشد و با diligent مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|------|-----------|---------------|---------------|
| GRE | stubborn | غیرقابل کنترل | intractable |
| GRE | equivocal | مردد، دودل | ambivalent |
| 504 | savage | وحشی، درنده | brutal |

۱۴- گزینه «۴» حمله به بیمارستان که متأسفانه منجر به مرگ و مجروح شدن شماری عظیمی از پرسنل و بیماران شده است، سلامتی پرسنل سلامت محلی و بین‌المللی را به خطر انداخته است.

(۱) مورد نقد شدید قرار دادن (۲) خوار کردن (۳) باری بر روی دوش... قرار دادن (۴) به خطر انداختن jeopardy به معنی خطر، مخاطره می‌باشد و با danger مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-------|----------------|-------------|---------------|
| GRE | diatribe | نطق انتقاد | tirade |
| TOEFL | ignominy | خواری، خفت | disgrace |
| 504 | responsibility | بار، سنگینی | burden |

۱۵- گزینه «۲» هر گاه دانشمندان سعی می‌کنند تا معمای گذشته را حل کنند، به ستوه می‌آیند.

(۱) طراوت بخشیدن به (۲) حل کردن (۳) نگران کردن (۴) تأکید کردن، برجسته نمودن unravel به معنی حل کردن، روشن کردن می‌باشد و با decipher مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-----------|-----------|-----------------|---------------|
| GRE | revive | طراوت بخشیدن به | rejuvenate |
| GRE | worry | نگران کردن | perturb |
| Essential | emphasize | تأکید کردن | accentuate |

۱۶- گزینه «۲» با گذشت زمان، بیشتر منابع انرژی رومانی تمام شده است؛ بنابراین این کشور باید بیشتر سوخت خود را وارد کند.

(۱) احیا شدن (۲) تمام شدن (۳) سرزنش شدن (۴) خنثی شدن exhaust به معنی تمام کردن است و با deplete مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-------|----------------|------------|---------------|
| GRE | renew | احیا کردن | revitalize |
| 1100 | reproach | توبیخ کردن | rebuke |
| TOEFL | counterbalance | خنثی کردن | counteract |

۱۷- گزینه «۱» شواهد حاکی از این هستند که سوزاندن پسماندها و آلاینده‌های موتوری، عامل چهار درصد ذرات معلق ریز PM2.5 در هوای پکن می‌باشند.

(۱) سوزاندن (۲) کمبود (۳) توهم (۴) رکود incineration به معنی سوزاندن می‌باشد و با burning مترادف می‌باشد.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-----------|----------------|-------|---------------|
| 1100, GRE | scarcity, lack | کمبود | dearth |
| GRE | delusion | توهم | hallucination |
| 1100 | depression | رکود | stagnation |

۱۸- گزینه «۳» تقریباً هر هفته، زمانی که والدینم متوجه عمق بدبینی و ناامیدی من می‌شوند، از سه هزار مایلی، ترس را در صدای آنها احساس می‌کنم.

(۱) استخراج کردن، بیرون کشیدن (۲) محو کردن، از یاد بردن (۳) متوجه شدن، ژرف‌یابی کردن (۴) طرفداری کردن

plumb به معنی ژرفیابی کردن می‌باشد و با explore مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|----------------------|------------|--------------|---------------|
| 1100, Essential, GRE | draw forth | بیرون کشیدن | elicit |
| 1100 | erase | محو کردن | obliterate |
| 1100 | support | طرفداری کردن | advocate |

۱۹- گزینه «۱» بنا به گزارش، نرخ شیوع مالاریا از ۱۱ درصد به ۸ درصد کاهش یافته است.

(۱) شیوع (۲) همدستی، مشارکت (۳) تحسین (۴) قطع، اختلال
rampancy به معنی شیوع می‌باشد و با prevalence مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-----------|-------------|----------------|---------------|
| 1100 | involvement | مشارکت، همدستی | complicity |
| Essential | praise | تحسین | acclaim |
| TOEFL | disturbance | اختلال | disruption |

۲۰- گزینه «۴» دنیل بسیار اجتماعی است و از ملاقات افراد لذت می‌برد اما بر عکس برادرش بسیار خجالتی است.

(۱) بشردوست، نوع دوست (۲) هم‌خو-خوشایند (۳) خصومت‌آمیز (۴) اجتماعی
outgoing به معنی اجتماعی می‌باشد و با extrovert مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-----------|---------------|----------|---------------|
| 1100 | unselfish | نوع دوست | altruistic |
| 1100, GRE | companionable | هم‌خو | congenial |
| 1100 | antagonistic | متخاصم | hostile |

۲۱- گزینه «۲» مادر بزرگ من زنی با فضل و دانش بالایی است چرا که هر روز چندین ساعت را صرف مطالعه کتاب و مجله می‌کند.

(۱) انزوا (۲) فضیلت، فضل و دانش (۳) خرافات (۴) فروتنی
erudition به معنی فضل، دانش می‌باشد و با wisdom مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-------|------------------|---------------|---------------|
| GRE | isolation | انزوا | seclusion |
| TOEFL | unfounded belief | خرافات | superstition |
| 1100 | humbleness | فروتنی، تواضع | humility |

۲۲- گزینه «۲» اگر اندام‌های مصنوعی به واقعیت تبدیل شوند، نه تنها نیاز به پیوند از بین می‌رود بلکه کیفیت زندگی نیز برای افراد سالخورده بالا می‌رود.

(۱) بهتر کردن، تیز کردن (۲) برطرف کردن، رفع کردن (۳) شمردن، شمارش کردن (۴) تخریب کردن، خراب کردن
obviate به معنی برطرف کردن می‌باشد و با eliminate مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|------|---------|---------------------|---------------|
| GRE | sharpen | تیز کردن، بهتر کردن | hone |
| GRE | list | شمردن | enumerate |
| GRE | wreck | خراب کردن | sabotage |



۲۳- گزینه «۱» اینکه چرا مردم بیش از ۶۰۰ خانه را در سال ۱۳۰۰ بعد از میلاد در مسأورد ترک کردند، هنوز هم باستان‌شناسان را گیج کرده است هر چند برخی می‌گویند به خاطر درگیری مسلح و تغییر آب و هوا بوده است.

- (۱) گیج کردن (۲) محترم شمردن (۳) ضایع کردن، معیوب کردن (۴) به بازی گرفتن
confound به معنی گیج کردن می‌باشد و با baffle مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|------|-----------|----------------------|---------------|
| GRE | revere | محترم شمردن | venerate |
| GRE | spoil | خراب کردن، ضایع کردن | mar |
| 504 | influence | به بازی گرفتن | manipulate |

۲۴- گزینه «۲» بازی شامل انتقال پیام از یک بازیکن به دیگری است. زمانی که پیام به آخرین نفر می‌رسد، آشفته می‌شود.

- (۱) ناخالص (۲) آشفته، درهم (۳) بدنام (۴) معقول، قابل قبول
garbled به معنی آشفته می‌باشد و با confused مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-------|-------------|------------------|---------------|
| TOEFL | adulterated | ناخالص | impure |
| GRE | infamous | بدنام | notorious |
| GRE | credible | معقول، قابل قبول | plausible |

۲۵- گزینه «۴» زمانی که معلم تازه‌کار متوجه شد که نمی‌تواند جلوی طغیان را بگیرد، کلاس را ترک کرد.

- (۱) غیرانسانی (۲) گرسنه (۳) پولی، پولکی (۴) بی‌تجربه، تازه‌کار
novice به معنی تازه‌کار می‌باشد و با beginner مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|------|-----------|-----------|---------------|
| GRE | callous | غیرانسانی | inhumane |
| GRE | starving | گرسنه | ravenous |
| GRE | financial | پولی | monetary |

۲۶- گزینه «۳» با اینکه دوست نداشتم با دیوید به نمایش بروم، اما التماس وی باعث شد موافقت کنم.

- (۱) همکاری کردن (۲) تأیید کردن (۳) قبول کردن - موافقت کردن (۴) تلافی کردن
acquiesce به معنی موافقت کردن، اجابت کردن است و با assent مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-------|-----------|-------------|---------------|
| TOEFL | cooperate | همکاری کردن | collaborate |
| 504 | confirm | تأیید کردن | verify |
| TOEFL | avenge | تلافی کردن | retaliate |

۲۷- گزینه «۴» محقق بین خانواده و جامعه شباهتی پیدا کرد و گفت هر دو جهت عملکرد صحیح به رهبرانی نیاز دارند.

- (۱) نفرت (۲) تمایز (۳) ابهام (۴) شباهت

analogy به معنی قیاس می‌باشد و با similarity مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-----------|----------------|-------|---------------|
| 1100, GRE | dislike | تنفر | antipathy |
| TOEFL | discrimination | تمایز | distinction |
| Essential | obscurity | ابهام | ambiguity |

۲۸- گزینه «۳» تو سعی می‌کنی به هدف خاصی دست یابی اما همیشه موانع مغلوب نشدنی وجود دارد که راه تو را سد کنند.
 (۱) ساختگی (۲) بیهوده (۳) مغلوب‌نشدنی (۴) پرجنب و جوش
 insurmountable به معنی مغلوب نشدنی است و با unconquerable مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-----------|-----------|-------------|---------------|
| 1100 | fake | ساختگی | fictitious |
| GRE | fruitless | بیهوده | futile |
| Essential | brilliant | پرجنب و جوش | vibrant |

۲۹- گزینه «۲» زمانی که مارک گزارش پزشکی خود را دریافت کرد، متوجه شد که در آن، در خصوص نوع دارویی که وی باید مصرف نماید، اطلاعات کافی وجود ندارد.

(۱) شکاف (۲) کمیابی - نبود (۳) دورویی (۴) تخریب
 paucity به معنی نبود و کمیابی می‌باشد و با lack مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|------|-------------|--------|---------------|
| GRE | rift | شکاف | rupture |
| 1100 | trickery | دورویی | duplicity |
| GRE | destruction | تخریب | demolition |

۳۰- گزینه «۴» مردم شهر نگران این نیستند که در حواشی آتشفشان زندگی کنند زیرا چندصد سال است که غیر فعال می‌باشد.
 (۱) جادار (۲) مصیبت بار (۳) پرشور، پر هیجان (۴) خفته - غیر فعال
 dormant به معنی غیر فعال می‌باشد و با inactive مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-------|------------|---------------|---------------|
| GRE | commodious | جادار | capacious |
| TOEFL | calamitous | مصیبت بار | disastrous |
| GRE | emotional | پرشور و هیجان | impassioned |

۳۱- گزینه «۱» آژانس مخفی دولت نهایت تلاش خود را کرد تا مطمئن شود که حضور بیگانه، محرمانه و به دور از رسانه‌های خبری می‌ماند.
 (۱) محرمانه (۲) مصون از خطا (۳) بی‌طرف (۴) غیرقابل درک، درک نشدنی



confidential به معنی محرمانه می‌باشد و با classified مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|------|-------------|-----------------------|---------------|
| 1100 | unerring | مصون از خطا | infallible |
| 504 | impartial | بی‌طرف | neutral |
| GRE | indefinable | غیرقابل درک، غیرملموس | intangible |

۳۲- گزینه «۱» به محض اینکه زلزله شروع شد، همه مجبور شدند ساختمان را تخلیه کنند.

- (۱) تخلیه کردن (۲) بالا رفتن - صعود کردن (۳) خراب کردن (۴) تشخیص دادن
evacuate به معنی تخلیه کردن است و با leave مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-----------|--------|------------|---------------|
| 1100 | climb | بالا رفتن | ascend |
| GRE | ruin | خراب کردن | devastate |
| 1100, 504 | notice | تشخیص دادن | discern |

۳۳- گزینه «۳» این هفته بعد از مرگ پنجاه نفر و مصدوم شدن صدها نفر، نگرانی‌های جدید در خصوص تنش مذهبی در شمال هندوستان شدت گرفتند.

- (۱) خنثی کردن - نقش بر آب کردن (۲) تسکین دادن (۳) شدت گرفتن - تشدید شدن (۴) دوباره پر کردن
fuel به معنی تشدید کردن می‌باشد و با stimulate مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-----------|---------|----------------|---------------|
| 1100 | hinder | نقش بر آب کردن | thwart |
| 1100, GRE | soothe | تسکین دادن | allay |
| 1100 | restock | دوباره پر کردن | replenish |

۳۴- گزینه «۲» زلزله ماه مارس ۲۰۱۱ در خارج از ساحل ژاپن مسئول مرگ ۱۵۰۰۰ نفر و تخریب بیش از یک میلیون ساختمان بود و تحقیقات جدید

نشان می‌دهند که عواقب این حادثه فجیع امروزه نیز احساس می‌شوند.

- (۱) مجموعه (۲) عواقب (۳) ناسازگاری (۴) اصلاحات

repercussion به معنی عواقب می‌باشد و با ramification مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|------|--------------|-----------|---------------|
| 1100 | collection | مجموعه | repertoire |
| GRE | discordance | ناسازگاری | incongruity |
| GRE | modification | اصلاحات | amendment |

۳۵- گزینه «۴» دولت اوندو به منظور اشتغال‌زایی برای جوانان خود، دو تا از صنایع رو به مرگ خود را اصلاح نموده است.

- (۱) لاغر (۲) یکپارچه (۳) همزیستی (۴) رو به مرگ

moribund به معنی روبه زوال می‌باشد و با dying مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-----------|------------|------------|---------------|
| 1100 | thin | لاغر، نحیف | emaciated |
| 1100, GRE | inflexible | یکپارچه | monolithic |
| GRE | dependent | همزیستی | symbiotic |

۳۶- گزینه «۱» بیان چهره، نفرت به چالش و لحن منقدانه وی در هنگام پاسخ به سوالات نشان می‌دهد که وی باور دارد که کسی حق ندارد در خصوص کسب و کار پدر وی سؤالی بپرسد.

(۱) منتقدانه (۲) تعلیمی (۳) فجیع (۴) بدعت‌آمیز

peremptory به معنی منتقدانه می‌باشد و با caustic مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|------|-------------|-----------|---------------|
| GRE | instructive | تعلیمی | didactic |
| 1100 | atrocious | فجیع | heinous |
| GRE | unorthodox | بدعت‌آمیز | heterodox |

۳۷- گزینه «۱» معمولا طوفان ۴۵ دقیقه طول می‌کشد اما تحت شرایط خاصی ممکن است به مدت دو ساعت ادامه داشته باشد و شدیدتر از قبل شود.

(۱) ادامه یافتن (۲) تحلیل رفتن (۳) طفره رفتن (۴) فروکش کردن

persist به معنی ادامه یافتن است و با continue مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-----------------|----------|------------|---------------|
| 504 | diminish | تحلیل رفتن | dwindle |
| 504 | avoid | طفره رفتن | evade |
| 1100, Essential | subside | فروکش کردن | abate |

۳۸- گزینه «۳» یک مجله سلامت اخیرا اعلام کرده است که اگر چه زیاده‌روی، شما را یک شبه پیر نمی‌کند اما رژیم غذایی ضعیف، فرایند پیری پوست و دندان شما را تسریع می‌کند.

(۱) مانع ... شدن (۲) رها کردن (۳) تسریع کردن (۴) تسکین دادن

accelerate به معنی تسریع کردن می‌باشد و با expedite مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-----------|-----------|--------------|---------------|
| 1100, GRE | hinder | مانع ... شدن | impede |
| Essential | abdicate | رها کردن | relinquish |
| GRE | alleviate | تسکین دادن | mitigate |

۳۹- گزینه «۲» بعد از یک سفر شش ساعته و خسته‌کننده با قطار به سمت مراکش، بالاخره در نصف شب به مقصد خود رسیدم.

(۱) مقدس (۲) خسته‌کننده (۳) اصلی (۴) جامع

humdrum به معنی کسل کننده می باشد و با monotonous مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه ها |
|-----------|-----------|------|---------------|
| GRE | sacred | مقدس | hallowed |
| Essential | main | اصلی | principal |
| 1100, 504 | extensive | جامع | comprehensive |

۴۰- گزینه «۳» بنا به گفته دکترش، کار اضافی باعث بدتر شدن بیماری آن کارمند شد و همین خود باعث درد شدید در گردش شد.
 (۱) جلوگیری کردن (۲) بیان کردن - قید کردن (۳) بدتر کردن (۴) تسکین دادن
 aggravate به معنی بدتر کردن می باشد و با exacerbate مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه ها |
|-----------|----------|--------------|---------------|
| GRE | prevent | جلوگیری کردن | avert |
| 1100, GRE | specify | قید کردن | stipulate |
| 1100, GRE | palliate | تسکین دادن | alleviate |

۴۱- گزینه «۱» یک راهبرد مؤثری که برخی از خانواده ها اتخاذ می کنند تا بچه های خود را مجبور کنند تکالیف خود را انجام دهند این است که آنها را تهدید می کنند که اگر تکالیفشان را انجام ندهند حق ندارند تلویزیون تماشا کنند.
 (۱) از دست دادن - جریمه دادن (۲) سرکوب کردن (۳) اصلاح کردن (۴) پاکسازی کردن
 forfeit به معنی جریمه دادن است و با relinquish مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه ها |
|------|---------|--------------|---------------|
| GRE | control | سرکوب کردن | suppress |
| GRE | correct | اصلاح کردن | rectify |
| 1100 | ensor | پاکسازی کردن | expurgate |

۴۲- گزینه «۴» آن اختلال علایمی دارد که شامل اجبار (که باعث می شود افراد نتواند خانه خود را ترک کنند) و افکار مخرب و مزاحم (که از طریق درمان مدیریت می شوند) است و به شیوه های مختلفی به افراد اثر می گذارد.
 (۱) فرضی (۲) تسخیرناپذیر (۳) راسخ (۴) مخرب، مزاحم
 intrusive به معنی مزاحم می باشد و با annoying مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه ها |
|-------|--------------|-------------|---------------|
| TOEFL | supposed | فرضی | hypothetical |
| 1100 | invulnerable | تسخیرناپذیر | impregnable |
| GRE | unyielding | راسخ | indomitable |

۴۳- گزینه «۲» رئیس جلسه طی هفته گذشته به طور قابل توجهی از جلسات و بحث های متعاقب غایب بوده است و همین باعث شده است که برخی بخواهند بدانند که وی کجا رفته است.
 (۱) سرسختانه (۲) به طور قابل توجهی (۳) به طور دقیق، موشکافانه (۴) به طور ذاتی

conspicuously به معنی بطور مشهودی می‌باشد و با noticeably مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-----------|--------------|-------------|---------------|
| 1100, GRE | unappeasably | سرسختانه | implacably |
| 1100, GRE | assiduously | موشکافانه | meticulously |
| 1100, GRE | inseparably | به طور ذاتی | inherently |

۴۴- گزینه «۲» وی متوجه نشده بود که تلاش‌های بی‌وقفه وی برای دستیابی به اهداف شخصی خود می‌تواند اثرات مرگباری بر روی کارسایرین داشته باشد.

(۱) ترمیم‌پذیر (۲) مخرب (۳) غیرموجه (۴) مغلطه‌آمیز

devastating به معنی مخرب می‌باشد و با ruinous مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-----------|-------------|-------------------------|---------------|
| GRE | elastic | انعطاف‌پذیر، ترمیم‌پذیر | resilient |
| Essential | unjustified | غیرموجه، بی‌دلیل | unwarranted |
| 1100, GRE | erroneous | مغلطه‌آمیز | fallacious |

۴۵- گزینه «۳» من معتقدم آن صحنه فیلم را غنی می‌سازد و به ما اجازه می‌دهد چابکی و مهارت آپاراتچی را به همان میزان درک کنیم که چابکی

موسیقی‌دان را در هنگام کنسرت تحسین می‌کنیم.

(۱) دیوانگی (۲) جسارت (۳) چابکی (۴) کوتاهی

virtuosity به معنی چابکی می‌باشد و با dexterity مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-----------|-------------|---------|---------------|
| GRE | stupidity | دیوانگی | insanity |
| 1100 | boldness | جسارت | temerity |
| Essential | conciseness | کوتاهی | brevity |

۴۶- گزینه «۱» کنترل احساسات به معنی نادیده گرفتن و سرکوب کردن آنها نیست، بلکه به این معنی است که یاد بگیریم آنها را پردازش نماییم و به آنها

به شیوه‌ای سالم واکنش نشان دهیم.

(۱) سرکوب کردن (۲) آشکار کردن (۳) خوار کردن (۴) مسخره کردن

repress به معنی سرکوب کردن است و با restrain مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-----------|-----------|------------|---------------|
| 504 | give away | آشکار کردن | betray |
| 1100, GRE | abase | خوار کردن | degrade |
| TOEFL | ridicule | مسخره کردن | mock |

۴۷- گزینه «۲» به خاطر مصرف استروئید جهت بهبود عملکرد خود، ورزشکار باید با انتقاد کمیته ورزش روبه‌رو شود.

(۱) سرعت (۲) انتقاد، سرزنش (۳) سقوط (۴) فتنه‌انگیزی



opprobrium به معنی سرزنش است و با criticism مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|------|------------|-------------|---------------|
| GRE | impetus | سرعت | momentum |
| 504 | breakdown | سقوط، افت | collapse |
| GRE | incitement | فتنه‌انگیزی | sedition |

۴۸- گزینه «۴» علی‌رغم اینکه، اکثر متصدیان بهداشت تزریق اجباری را مفید می‌دانند برخی باور دارند حقوق بشر را نقض می‌کند زیرا با اجبار سر و کار دارد.
 (۱) غیرقانونی (۲) دیرتر از موقع (۳) فی‌البداهه (۴) اجباری
 mandatory به معنی اجباری می‌باشد و با compulsory مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-------|-------------|---------------|---------------|
| TOEFL | illegal | غیرقانونی | illicit |
| 1100 | late | دیرتر از موقع | belated |
| GRE | unrehearsed | فی‌البداهه | impromptu |

۴۹- گزینه «۴» انتخاب تأمین‌کننده و شریک کسب و کار برای ما براساس بررسی دقیق رویکرد آنها نسبت به محیط زیست است و این عامل در آینده بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

(۱) نزدیکی (۲) سخت کوشی (۳) سرنگونی (۴) بررسی
 scrutiny به معنی بررسی می‌باشد و با examination مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|------|-----------|----------|---------------|
| 504 | proximity | نزدیکی | vicinity |
| GRE | hard work | سخت کوشی | diligence |
| GRE | downfall | سرنگونی | debacle |

۵۰- گزینه «۱» همزمان با این که بچه‌ها بزرگ‌تر می‌شوند راهبردهای مؤثرتری برای به یادسپاری اطلاعات ابداع می‌کند.

(۱) ابداع کردن - پروردن (۲) تصویب کردن (۳) متنوع کردن (۴) پهلوی هم گذاشتن
 foster به معنی پروراندن می‌باشد و با encourage مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-----------|------------------|-----------------|---------------|
| TOEFL | sign | تصویب کردن | ratify |
| Essential | vary | متنوع کردن | diversify |
| 1100, GRE | set side by side | پهلوی هم گذاشتن | juxtapose |

۵۱- گزینه «۱» امروز صدسالگی آقای شوارز است، و راز عمر طولانی او تمرینات ورزشی مداوم و رژیم غذایی منظم بوده است.

(۱) عمر طولانی (۲) احیا، تجدید (۳) پافشاری، پشتکار (۴) پایداری، دوام
 longevity به معنی عمر طولانی می‌باشد و با length of life مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-------|--------------|----------------|---------------|
| TOEFL | improvement | احیا، بهبود | revival |
| TOEFL | perseverance | پافشاری، اصرار | persistence |
| TOEFL | stability | استمرار، دوام | permanence |

۵۲- گزینه «۴» او سؤال خبرنگار را درخور و مناسب موضوع اصلی کنفرانس خبری در نظر نگرفت و از پاسخ به آن چشم‌پوشی کرد.

(۱) مواظب، ملتفت، متوجه، با دقت

(۲) حساس، اثرپذیر

(۳) پیرامونی، حاشیه‌ای

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-------|------------|-------------|---------------|
| TOEFL | perceptive | متوجه، دقیق | attentive |
| 504 | responsive | حساس | sensitive |
| GRE | marginal | پیرامونی | peripheral |

۵۳- گزینه «۴» بالکن خانه جدیدش به حریم زمین همسایه‌اش تجاوز می‌کرد و می‌بایست تخریب می‌شد.

(۱) تحمیل کردن به

(۲) نفوذ کردن به درون

(۳) بی‌بهره کردن از، محروم کردن از

(۴) تخطی کردن، دست‌درازی کردن

encroach به معنی تجاوز کردن می‌باشد و با intrude مترادف می‌باشد.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-------|------------|------------|---------------|
| TOEFL | foist | تحمیل کردن | impose |
| GRE | penetrate | نفوذ کردن | infiltrate |
| 504 | dispossess | محروم کردن | deprive |

۵۴- گزینه «۲» خانه همسایه ما صرفاً دارای زیبایی خارجی بوده و از درون کثیف و ریخت و پاش است.

(۱) نازک، حساس، لطیف، دقیق

(۲) خارجی، بیرونی، فرعی، جزئی

(۳) زیبایی‌شناختی، زیبایی محیط

(۴) آراسته، زینت‌دار

extrinsic به معنی خارجی، بیرونی می‌باشد و با external مترادف است. متضاد آن intrinsic می‌باشد.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|------|---------------|---------------|---------------|
| GRE | compassionate | لطیف، مهربان | tender |
| GRE | ornamental | زیبایی‌شناختی | aesthetic |
| GRE | decent | آراسته | decorous |

۵۵- گزینه «۱» ما تحت تاثیر زبردستی و مهارت مجسمه‌ساز قرار گرفتیم که مجسمه‌ای از یخ را تراشیده و کنده‌کاو کرد.

(۱) زبردستی، تردستی، چلاکی

(۲) پرخاشگری، درازدستی، تجاوز

(۳) استقرار، اجراء، پیاده‌سازی

(۴) ناگهانی، اتفاقی

virtuosity به معنی استادی می‌باشد و با dexterity مترادف می‌باشد.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-----------|-------------|-------------------|----------------|
| GRE | bellicosity | پرخاشگری | aggression |
| TOEFL | execution | اجراء، پیاده‌سازی | implementation |
| Essential | suddenness | ناگهانی | abruptness |

۵۶- گزینه «۳» عموم مردم خیلی زود در مورد تاکتیک‌های ماکیاولی گرایانه‌اش برای پیروزی در انتخابات آگاه شدند، و روش‌های فریب‌کارانه‌اش را محکوم کردند.

(۱) تهدید کردن

(۲) ناراضی کردن

(۳) محکوم کردن، مخالفت کردن

(۴) چشم‌پوشی کردن



condemn محکوم کردن می‌باشد و مترادف با censure است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-----------|-----------|--------------|---------------|
| 504 | menace | تهدید کردن | threaten |
| TOEFL | displease | ناراضی کردن | dissatisfy |
| Essential | neglect | نادیده گرفتن | overlook |

۵۷- گزینه «۴» کیم در مورد غذا خوردن بسیار سخت‌گیر بوده و تلاش می‌کند تا در غذاهای پخته‌شده توسط بهترین آشپزها ایراد و اشکال پیدا کند.

(۱) بحرانی، وخیم، قطعی (۲) دلهره‌آور (۳) بدنام (۴) سخت‌گیر، مشکل‌پسند

fastidious به معنی سخت‌گیر می‌باشد و با meticulous مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-----------|--------------|-------------|---------------|
| Essential | critical | بحرانی | crucial |
| GRE | intimidating | دلهره‌آور | daunting |
| GRE | infamous | بدنام، رسوا | notorious |

۵۸- گزینه «۱» دختر کوچولو با هوش و ذکاوت بسیار خود توانست به خوبی ذهن من را از سؤالی که در مورد شغل پدرش پرسیده بودم، منحرف کند.

این کار را با پرسش در مورد ابزاری که در دست‌انم قرار داشت، عملی کرد.

(۱) تغییر شکل دادن، منحرف کردن (۲) فاش کردن، در معرض گذاشتن

(۳) متهم کردن، تهمت زدن (۴) تلافی کردن

deflect به معنی منحرف کردن می‌باشد و با deviate مترادف می‌باشد.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-------|-------------|--------------------------|---------------|
| 504 | reveal | فاش کردن، در معرض گذاشتن | expose |
| TOEFL | charge with | متهم کردن | accuse |
| TOEFL | requite | تلافی کردن | retaliate |

۵۹- گزینه «۴» من بین زندگی‌های گیاهی و حیوانی، قیاسی ایجاد کردم، و به او گفتم که دانه‌ها مانند تخم‌های مرغ و تخم‌های پرندگان هستند — که

مرغ مادر از تخم‌هایش نگهداری می‌کند تا گرم و خشک باقی بماند تا زمانی که جوجه‌ها بیرون بیایند.

(۱) تعمیم، عمومیت، تعمیم دادن، عمومیت دادن، نتیجه‌گیری کلی و وسیع (۲) دوگانگی، تقسیم

(۳) موازنه، تعادل، آرامش، سکون (۴) تمثیل، قیاس، شباهت

analogy به معنی قیاس و مشابهت می‌باشد و با similarity مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-------|-----------------------|----------------|----------------|
| TOEFL | the act of broadening | تعمیم | generalization |
| GRE | division | دوگانگی، تقسیم | dichotomy |
| GRE | balance | تعادل | equilibrium |

۶۰- گزینه «۲» حضور فراگیر پشه‌ها مانع از خوابیدن ما شدند؛ ما مجبور شدیم تمام شب را صرف یافتن راهی کنیم که با آن بتوانیم پشه‌ها را از خودمان دور کنیم.

- (۱) اجتناب کردن، ممانعت کردن، جلوگیری کردن، دوری کردن از
 (۲) جلوگیری کردن، پیش‌گیری کردن، بازداشتن، مانع شدن
 (۳) پس گرفتن، باز گرفتن، صرف‌نظر کردن
 (۴) دریغ داشتن، مضایقه داشتن، خودداری کردن، منع کردن
- prevent به معنی جلوگیری کردن می‌باشد و با stop مترادف می‌باشد.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-----------|----------------|--------------------------|---------------|
| Essential | stop | دوری کردن، جلوگیری کردن | avoid |
| TOEFL | remove | پس گرفتن | withdraw |
| TOEFL | refuse to give | مضایقه داشتن، دریغ داشتن | withhold |

۶۱- گزینه «۱» شیوه‌ای که او بدان طریق لباس می‌پوشد و پولش را از روی ولخرجی خرج می‌کند، بیانگر پیشینه ثروتمند خانوادگی اوست.

- (۱) بسیار ثروتمند و پولدار
 (۲) دارای نفوذ و قدرت
 (۳) نوع دوست
 (۴) صرفه‌جو، مقتصد

opulent به معنی ثروتمند، مجلل می‌باشد و با affluent مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-------|---------------|----------------|---------------|
| TOEFL | authoritative | با نفوذ | influential |
| 1100 | unselfish | نوع دوست | altruistic |
| 504 | thriving | صرفه‌جو، مقتصد | thrifty |

۶۲- گزینه «۳» من به شدت به دنبال شغلی نیمه‌وقت برای غروب‌ها هستم تا بتوانم دریافتی ناچیز خود را از شغلی که اکنون دارم، افزایش دهم.

- (۱) طولانی کردن، امتداد دادن، دراز کردن
 (۲) آمیختن، توأم کردن
 (۳) افزودن، زیاد کردن
 (۴) رها کردن، آزاد کردن، مرخص کردن، منتشر ساختن

supplement به معنی تکمیل کردن می‌باشد و با augment مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-----------|----------|---------------------|---------------|
| GRE | lengthen | طولانی کردن | prolong |
| GRE | combine | آمیختن | amalgamate |
| Essential | free | آزاد کردن، رها کردن | release |

۶۳- گزینه «۳» من شخصاً پاسخی مشخص و صریح را ترجیح می‌دادم، اما ریسم بین گزینه‌های متمایز در دسترس تردید داشتم.

- (۱) نوسان داشتن، ثابت نبودن
 (۲) ارزیابی کردن، برآورد کردن
 (۳) تردید داشتن، دودل بودن
 (۴) اختلاف پیدا کردن، از هم دور شدن
- waver به معنی دودل بودن می‌باشد و با vacillate مترادف می‌باشد.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-----------|----------|---------------|---------------|
| 1100 | vary | بی‌ثبات بودن | fluctuate |
| Essential | evaluate | ارزیابی کردن | assess |
| GRE | differ | از هم دور شدن | diverge |



۶۴- گزینه «۴» دانش‌آموزان پس از آزمون تاریخ به خاطر طولانی و دشوار بودن آن بی‌حال و خسته شده بودند.

- (۱) مرتجع، بهبودپذیر (۲) اجتماعی (۳) کامل، جامع، فراگیر (۴) سست، بی‌حال
 enervated به معنی خسته می‌باشد و با fatigue مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-------|---------------|------------------|---------------|
| GRE | tough | بهبودپذیر، مرتجع | resilient |
| TOEFL | extrovert | اجتماعی | outgoing |
| GRE | comprehensive | جامع | exhaustive |

۶۵- گزینه «۱» حکم قاضی براساس این اصل عقل سلیم بود که هیچ فردی بالاتر از قانون قرار نمی‌گیرد.

- (۱) انگاشته، عقیده، اصل (۲) امتیاز، رجحان، مزیت (۳) تحسین، ستایش (۴) تلاش، کوشش
 tenet به معنی اصل می‌باشد و با principle مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-----------|-----------|---------------|---------------|
| TOEFL | advantage | امتیاز، رجحان | privilege |
| Essential | praise | تحسین | acclaim |
| TOEFL | attempt | تلاش | endeavor |

۶۶- گزینه «۲» سخنگو چنان بیانی‌های غیرقابل فهم ارائه کرد که هیچ‌کس، حتی اعضای حزب خودش، نتوانستند آن را درک کنند.

- (۱) غم‌انگیز، محزون (۲) غیرقابل فهم (۳) زودباور، ساده‌لوح (۴) موکد، تأکید شده
 opaque به معنی غیرقابل فهم می‌باشد و با obscure مترادف می‌باشد.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|------|-------------|-----------|---------------|
| GRE | solemn | محزون | somber |
| GRE | naive | ساده‌لوح | credulous |
| GRE | distinctive | تأکید شده | emphatic |

۶۷- گزینه «۱» او یک چاپلوس و متملق واقعی بود؛ شما می‌توانید اغلب او را در حال تملق‌گویی رییش مشاهده کنید؛ و انگیزه وی از این رفتارها گرفتن ارتقای درجه است.

- (۱) انگیزه (۲) روشنی، وضوح، آشکاری (۳) علیت، خاصیت سببی (۴) سلطه، استیلا، تفوق
 motive به معنی انگیزه و دلیل می‌باشد و با incentive مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-----------|------------------|------|---------------|
| GRE | clarity | وضوح | lucidity |
| GRE | cause and effect | علیت | causality |
| Essential | control | سلطه | domination |

causality بسیار به واژه casualty (به معنی تلفات) نزدیک می‌باشد. لذا این دو را با هم اشتباه نگیرید.

۶۸- گزینه «۴» سرمایه‌گذاران طرح برنامه، با ترس از ورشکستگی، تصمیم گرفتند تا کار پروژه را رها کرده و آن را کنار بگذارند و فعالیت تجاری جدیدی را آغاز کنند.

- (۱) ناراحت کردن
(۲) بی‌اثر کردن
(۳) مایوس کردن
(۴) ترک کردن، رها کردن، کنار گذاشتن
- abandon به معنی ترک کردن می‌باشد و با واژه renounce مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-------|-----------|-------------|---------------|
| GRE | embarrass | ناراحت کردن | discomfit |
| 1100 | cancel | بی‌اثر کردن | nullify |
| TOEFL | thwart | مایوس کردن | disappoint |

۶۹- گزینه «۲» برخی از مدیران شرکت درخواست دارند تا یک‌سری اصلاحات انجام شود اما دیگران از مدافعان سرسخت وضع کنونی بودند.

- (۱) قابل تأسف
(۲) سرسخت، لجوج
(۳) بی‌تفاوت
(۴) مشتاق، پرشور
- obdurate به معنی سرسخت می‌باشد و با واژه stubborn مترادف می‌باشد.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-----------|-----------------|----------|---------------|
| TOEFL | lamentable | تأسف بار | regrettable |
| Essential | apathetic about | بی‌تفاوت | indifferent |
| 1100 | passionate | پرشور | ardent |

۷۰- گزینه «۳» برخی از بهترین زبان‌شناسان از دبیران مرد سخت‌گیر مدرسه بودند که عادت داشتند فقط به آن دسته از پسرنی که ترجمه‌های بسیار دقیقی را ارائه می‌کردند، نمرات بالا دهند.

- (۱) از روی میل و علاقه
(۲) ماهرانه
(۳) با دقت زیاد- بسیار دقیق
(۴) مشتاقانه
- meticulously به معنای بسیار دقیق می‌باشد و با thoroughly مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-------|------------|----------------------|---------------|
| TOEFL | readily | مشتاقانه، از روی میل | willingly |
| 1100 | skillfully | ماهرانه | adroitly |
| TOEFL | eagerly | مشتاقانه | anxiously |

۷۱- گزینه «۲» داشتن خوی تند و خشنی که او سعی در کنترل و مخفی کردن آن نداشت، باعث شد تا او با کارفرمایانش به مشکل برخورد کند.

- (۱) منسوخ کردن
(۲) پنهان کردن، پوشاندن، مخفی کردن
(۳) تشویق کردن، ترغیب کردن
(۴) تبرئه کردن
- conceal به معنی پنهان کردن است و با hide مترادف می‌باشد.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|----------------|---------|------------|---------------|
| 504 | end | منسوخ کردن | abolish |
| Essential, 504 | hearten | تشویق کردن | encourage |
| 1100 | clear | تبرئه کردن | exonerate |

۷۲- گزینه «۴» هر زمان او شواهدی می‌یابد که با ادعای او در تناقض است، او معمولاً آنها را جهت تطبیق با ادعای خود مناسب‌سازی می‌کند.

- (۱) تقویت کردن
 (۲) حفظ کردن، نگاه‌داشتن
 (۳) مستلزم بودن، شامل بودن، متضمن بودن
 (۴) درخور کردن، مناسب کردن
- tailor به معنی مناسب کردن می‌باشد و با customize مترادف می‌باشد.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|------|-------------|-------------|---------------|
| GRE | strengthen | تقویت کردن | bolster |
| 504 | conserve | حفظ کردن | preserve |
| GRE | necessitate | مستلزم بودن | entail |

۷۳- گزینه «۴» در زمان پریکلس، آتن به بزرگ‌ترین میزان موفقیت تجاری دست یافت، و نه تنها اقتدار ادبی بلکه سکه‌ها و گلدان‌های عتیقه بسیاری حاکی

از فعالیت بازرگان‌های تجاری وی در شام، دریای سیاه و غرب هستند.

- (۱) بهره‌بردار، ذی‌نفع
 (۲) ابتکار، اصالت
 (۳) وراثت
 (۴) موفقیت، کامیابی
- prosperity به معنی کامیابی می‌باشد و با success مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-------|----------------------------|-------------------|---------------|
| 504 | heir | بهره‌بردار، ذینفع | beneficiary |
| TOEFL | ingenuity | ابتکار، اصالت | originality |
| TOEFL | congenital characteristics | وراثت | heredity |

۷۴- گزینه «۱» من دارم اعتمادم رو به تو از دست می‌دهم، چون چیزی رو که دیروز به من گفتی، با چیزی که امروز داری مطرح می‌کنی سازگاری و

مطابقت ندارد.

- (۱) سازگار با
 (۲) حاشیه‌ای، پیرامونی
 (۳) غافل از
 (۴) بی‌ربط به
- consistent به معنی سازگار می‌باشد و با accordant مترادف می‌باشد.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-----------|------------|---------------|---------------|
| GRE | marginal | پیرامونی | peripheral |
| TOEFL | unmindful | بی‌پروا، غافل | heedless |
| 1100, GRE | irrelevant | بی‌ربط | extraneous |

۷۵- گزینه «۱» جلسه امروز عصر، جلسه‌ای است که در آن مسائل مهم مورد بحث قرار می‌گیرد؛ حضور شما الزامی است.

- (۱) اجباری - الزامی
 (۲) معتبر
 (۳) بیانگر
 (۴) نهان کار - مخفی کار
- obligatory به معنی اجباری است و با compulsory مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-------|-----------------|----------|---------------|
| 504 | sound | معتبر | valid |
| TOEFL | suggestive | بیانگر | expressive |
| TOEFL | uncommunicative | مخفی کار | secretive |

۷۶- گزینه «۳» بعد از یک کلنجر طولانی بین زن و شوهر سابق در خصوص نگهداری بچه، سرانجام دادگاه تصمیم گرفت حضانت را به مادر بدهد.

- (۱) مبارزات (۲) بی‌رحمی - شقاوت (۳) کلنجر - مشاجره (۴) سرگشتگی
squabble به معنی مشاجره است و با controversy مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-------|-----------|---------|---------------|
| TOEFL | crusade | مبارزات | campaign |
| TOEFL | brutality | بی‌رحمی | cruelty |
| TOEFL | confusion | سرگشتگی | perplexity |

۷۷- گزینه «۲» در استرالیا، حیوانات از بقایای محصولات کشاورزی تغذیه می‌کنند. بدون این حیوانات، این بقایا باید به طریقی دیگر - اغلب سوزاندن - دفع شوند تا محصول دیگری بتواند رشد کند.

- (۱) پرت شدن (۲) دور انداختن - از شر چیزی خلاص شدن
(۳) متوسل شدن (۴) ذکر کردن - تلویحاً گفتن
dispose به معنی از شر چیزی خلاص شدن است و با get rid of مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-------|----------|--------------|---------------|
| 504 | deviate | پرت شدن | digress |
| TOEFL | turn to | متوسل شدن | resort |
| 1100 | refer to | تلویحاً گفتن | allude |

۷۸- گزینه «۳» ویویان جوان که نمی‌توانست قوانین و مقررات خودکامه (مستبدانه) مسافرخانه را تحمل کند، به فرار از آنجا در تاریکی شب فکر می‌کرد.

- (۱) سرزنش کردن - فحاشی کردن (۲) پخش کردن
(۳) تحمل کردن - تاب آوردن (۴) رفتار کردن - با کسی تا کردن - تصفیه کردن
bear به معنی تحمل کردن است و با tolerate مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-------|-----------|-------------|---------------|
| TOEFL | criticize | انتقاد کردن | scold |
| GRE | spread | پخش کردن | diffuse |
| TOEFL | behave | رفتار کردن | treat |

۷۹- گزینه «۲» با شانزده پیروزی پی‌درپی، به نظر می‌رسید تیم کریکت استرالیا مغلوب نشدنی باشد، اما سرانجام آن‌ها به دست تیم هندی مغلوب شدند.

- (۱) پخش کردن - متفرق کردن (۲) مغلوب کردن - در هم کوبیدن (۳) تأیید کردن (۴) اهمیت ندادن - اعتنا نکردن
vanquish به معنی مغلوب کردن است و با conquer مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|----------------|---------|-------------|---------------|
| Essential | scatter | متفرق کردن | disperse |
| 504, Essential | affirm | تأیید کردن | confirm |
| Essential | ignore | اعتنا نکردن | disregard |



۸۰- گزینه «۳» آن فروشنده تلاش کرد تا آن پیرمرد را وادار به خرید (از او) کند، اما وقتی پیرمرد صراحتاً گفت که چیزی (از او) نخواهد خرید، دست از تلاش برداشت.

(۱) سخاوتمندانه (۲) به صورت پویا (۳) صراحتاً - مؤکداً (۴) لزوماً - ضرورتاً
unequivocal به معنی صریح است و با unambiguous مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-------|-----------|--------|---------------|
| TOEFL | kind | بخشنده | generous |
| TOEFL | energetic | پویا | dynamic |
| TOEFL | essential | ضروری | necessary |

۸۱- گزینه «۴» قاضی علناً با سازمان‌های نژادپرست هم‌نشینی می‌کرد. با این حال، او هیچ غرض و تعصبی در تصمیماتش در خلال دوره کاری‌اش بروز نداد. (۱) یکتایی - منحصر به فرد بودن (۲) جذب (۳) قدردانی - حق‌شناسی (۴) غرض - تعصب
prejudice به معنی تعصب می‌باشد و با bias مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-------|-----------------|---------|---------------|
| TOEFL | distinctiveness | یکتایی | uniqueness |
| TOEFL | appeal | جذب | attraction |
| TOEFL | gratefulness | قدردانی | gratitude |

۸۲- گزینه «۴» رئیس جمهور جاری نسبت به رئیس جمهور سابق بر اساس مسائل اصلاحات بهداشتی متفاوت است. (۱) پر حرف (۲) نامشتاق، بی‌تفاوت (۳) مصنوعی (۴) جاری، کنونی
incumbent به معنی جاری، کنونی می‌باشد و با current مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-------|--------------|-------------------|---------------|
| TOEFL | garrulous | وراج، پر حرف | talkative |
| GRE | uninterested | بی‌تفاوت، نامشتاق | nonchalant |
| TOEFL | synthetic | مصنوعی | artificial |

۸۳- گزینه «۲» داده‌های جمعیت‌شناسی این باور را پشتیبانی می‌کنند که جمعیت شهر افزایش یافته است. (۱) اسمی (۲) جمعیت‌شناسی (۳) محاوره‌ای (۴) شبانگاهی
demographic به معنی جمعیت‌شناسی می‌باشد و با related to population مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-----------|------------------|-----------|---------------|
| Essential | in name only | اسمی | nominal |
| TOEFL | informal | محاوره‌ای | colloquial |
| GRE | related to night | شبانگاهی | nocturnal |

۸۴- گزینه «۴» او وانمود کرد که نسبت به فرصت شغلی جدید بی‌خیال است اما مخفیانه احساس وجد می‌کرد. (۱) متعهد، از خود گذشته (۲) پذیرا (۳) رک و راست (۴) بی‌تفاوت

blasé به معنی بی‌تفاوت می‌باشد و با uncaring مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-------|-------------|-----------|---------------|
| TOEFL | devoted | متعهد | dedicated |
| TOEFL | open-minded | پذیرا | receptive |
| TOEFL | frank | رک و راست | candid |

۸۵- گزینه «۱» چون که محل کار او اغلب شلوغ و پر سر و صدا بود او بیشتر از همه آرزوی تنهایی می‌کرد.

(۱) انزوا (۲) ارتباط (۳) تنهایی (۴) بی‌ربطی
solitude به معنی تنهایی، انزوا می‌باشد و با seclusion مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-------|---------------|---------|---------------|
| TOEFL | relationship | ارتباط | association |
| TOEFL | isolation | تنهایی | loneliness |
| TOEFL | unrelatedness | بی‌ربطی | irrelevancy |

۸۶- گزینه «۱» معلم مداد شمعی‌ها را در قفسه‌های پایین گذاشت تا آن‌ها را برای بچه‌ها قابل دسترس کند.

(۱) در دسترس (۲) قابل تشخیص (۳) توصیفی (۴) راستین
accessible به معنی قابل دسترس می‌باشد و با reachable مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-------|--------------|------------|---------------|
| TOEFL | noticeable | قابل تشخیص | detectable |
| TOEFL | illustrative | توصیفی | descriptive |
| TOEFL | truthful | راستین | factual |

۸۷- گزینه «۴» زمانی که ۳ سال پیش کامپیوترم را خریدم کامپیوترم به روز بود اما اکنون از مد افتاده است.

(۱) بی‌پروا (۲) هنرمندانه (۳) غیرضروری (۴) از مد افتاده
outmoded به معنی از مد افتاده می‌باشد و با antiquated مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-------|------------|-----------|---------------|
| 504 | careless | بی‌دقت | reckless |
| TOEFL | creative | هنرمندانه | artistic |
| TOEFL | not needed | غیرضروری | unnecessary |

۸۸- گزینه «۳» به خاطر اینکه مترو در هندوستان روزبه‌روز در حال توسعه است، بسیاری از سنت‌های قدیم هند به حالت رکود (تعلیق و سکون) درآمدند

است و دیگر انجام نمی‌شوند.

(۱) شک (۲) حشو، زیادی (۳) وقفه - سکون و تعلیق (۴) اذیت - مزاحمت

نکته: اصطلاح fall into abeyance به معنی به حالت سکون و تعلیق درآمدن است.



abeyance به معنی تعلیق می‌باشد و با suspension مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-------|------------|------------|---------------|
| 1100 | doubt | شک | quandary |
| TOEFL | layoff | حشو، زیادی | redundancy |
| TOEFL | irritation | مزاحمت | annoyance |

۸۹- گزینه «۲» ما تصور کردیم او قابل اطمینان است تا اینکه متوجه شدیم او آدرس اشتباهی به ما داده بود.

(۱) ریاکار، نادرست (۲) دروغ - اشتباه - جعلی (۳) شکاک - تردیدگرا (۴) ارزشمند
fake به معنی دروغ، جعلی می‌باشد و با counterfeit مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-------|------------|---------|---------------|
| TOEFL | fraudulent | نادرست | dishonest |
| GRE | doubtful | شکاک | skeptical |
| TOEFL | precious | ارزشمند | priceless |

۹۰- گزینه «۱» قیافه و چهره او در هر بازی گرفته بود؛ فکر نمی‌کنم حتی زمانی که تیمش صد امتیاز به دست آورده بود، خندیدن او را دیده باشم.

(۱) به دست آوردن امتیاز (۲) به یاد آوردن (۳) به دست آوردن - نایل شدن (۴) شامل شدن
score به معنی به دست آوردن می‌باشد و با win points مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-----------|----------|--------------|---------------|
| TOEFL | remember | به یاد آوردن | reminisce |
| TOEFL | obtain | به دست آوردن | achieve |
| Essential | include | شامل شدن | encompass |

۹۱- گزینه «۴» باران قریب‌الوقوع، بهانه معقول و باورکردنی به ما داد تا از آن مهمانی کسل‌کننده دربرویم.

(۱) بی‌ضرر - بی‌آزار (۲) سوزان (۳) فضول (۴) معقول - باورکردنی - محتمل
plausible به معنی معقول، باورکردنی می‌باشد و با credible مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-------|-------------|--------|---------------|
| TOEFL | safe | بی‌ضرر | harmless |
| TOEFL | impassioned | سوزان | torrid |
| TOEFL | interfering | فضول | meddlesome |

۹۲- گزینه «۲» بین کرم خاکی و باغ رابطه هم‌زیستی وجود دارد. باغ برای کرم خاکی زیستگاه (منزلگاه) ایجاد می‌کند، در حالی که کرم خاکی برای باغ

کود تولید کرده و آن را حاصلخیز می‌کند.

(۱) نمادین (۲) همزی - همزیست (۳) مطبوع (۴) دارای تضاد - معمایی
symbiotic به معنی هم‌زیستی می‌باشد و با dependent مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-------|---------------|--------|---------------|
| TOEFL | figurative | نمادین | symbolic |
| GRE | delicious | مطبوع | delectable |
| GRE | contradictory | متناقض | paradoxical |

۹۳- گزینه «۲» وقتی مشخص شد که او جاسوسی می‌کرد، به‌عنوان یک خائن به‌شدت در مطبوعات مورد انتقاد قرار گرفت.

- (۱) حدس زدن (۲) انتقاد کردن - استیضاح کردن (۳) مجسم کردن (۴) محدود کردن - مقید کردن
censure به معنی توبیخ کردن است و با criticize مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-------|-----------|------------------------|---------------|
| 1100 | guess | حدس زدن | surmise |
| TOEFL | represent | مجسم کردن | embody |
| TOEFL | compel | محدود کردن، مجبور کردن | constrain |

۹۴- گزینه «۳» پژوهش جدید درخصوص منشأ فرهنگ دلانگ بیانگر این است که اتحادیه شکارچیان ۲۰۰۰ سال قبل از آنکه پیشتر تصور می‌کردیم تأسیس شده بود.

- (۱) به‌صورت مشابه (۲) به اندازه کافی (۳) قبلاً - پیشتر (۴) به‌طور مساعد
previously به معنی قبلاً، از پیش است و با formerly مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-----------|--------------|-------|---------------|
| TOEFL | identical | شبهه | similar |
| Essential | enough | کافی | sufficient |
| Essential | advantageous | مساعد | favorable |

۹۵- گزینه «۴» برای نادیده انگاشتن این کتاب برجسته (عالی) و غیرمترادف بسیار تلاش شد، اما بیهوده بود. این کتاب در سرتاسر اروپا خوانده شد.

- (۱) تجدید دیدار (۲) بی‌نظمی - آشوب - هرج و مرج (۳) توافق، تطابق (۴) بیهوده - بی‌نتیجه
نکته: اصطلاح in vain به معنی بیهوده - بی‌نتیجه است.
in vain به معنی بیهوده می‌باشد و با unsuccessfully مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-------|----------------------------|-------------|---------------|
| TOEFL | the act of coming together | تجدید دیدار | reunion |
| TOEFL | disorder | بی‌نظمی | chaos |
| TOEFL | compliance | تطابق | conformity |

۹۶- گزینه «۱» شدیداً به او اخطار شد که چنانچه دارو را به موقع نخورد، دردش تسکین نخواهد یافت.

- (۱) فروکش کردن - آرام کردن - تسکین یافتن (۲) تجزیه کردن
(۳) تهویه کردن (۴) غش کردن - سقوط کردن - فروپاشیدن
subside به معنی فروکش کردن است و با abate مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-------|----------------|------------|---------------|
| TOEFL | break down | تجزیه کردن | resolve |
| 504 | Change the air | تهویه کردن | ventilate |
| 504 | fall | فروپاشیدن | collapse |



۹۷- گزینه «۴» به منظور کاهش پسماند، آن شرکت دیگر به اشخاصی که به صورت وضعیت‌های آنلاین دسترسی دارند، صورت وضعیت‌های کاغذی ماهانه ارسال نخواهد کرد.

(۱) اتفاق ناگوار (۲) تردید - درنگ (۳) کشمکش - تضاد (۴) پسماند
waste به معنی پسماند است و با rubbish مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-------|-------------|---------------|---------------|
| TOEFL | uncertainty | تردید، درنگ | hesitation |
| 504 | dispute | کشمکش | conflict |
| TOEFL | accident | رویداد ناگوار | mishap |

۹۸- گزینه «۳» علی‌رغم شرایط امنیتی، توانایی دزد برای ورود به موزه بدون اینکه گرفتار شود (دستگیر شود) به عنوان معمایی برای نیروهای پلیس باقی می‌ماند.

(۱) اجازه (۲) توهم (۳) معما (۴) عفونت
enigma به معنی معما می‌باشد و با mystery مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-------|---------------|-------|---------------|
| TOEFL | permission | اجازه | authorization |
| TOEFL | mirage | توهم | illusion |
| TOEFL | contamination | عفونت | infection |

۹۹- گزینه «۱» شبکه‌هایی که در اختیار عموم مردم قرار دارند (نظیر گوگل و ...) تکنیک‌های گوناگونی را به کار می‌گیرند تا موتور جستجوی خود را سریع‌تر و بهتر کنند.

(۱) به کار گرفتن (۲) گرامی داشتن - تعیین کردن (۳) جلوگیری کردن (۴) مشخص کردن
employ به معنی به کار بردن می‌باشد و با apply مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-------|---------|--------------|---------------|
| TOEFL | praise | گرامی داشتن | hail |
| GRE | prevent | جلوگیری کردن | forestall |
| TOEFL | state | مشخص کردن | specify |

۱۰۰- گزینه «۴» آن خودروی قدیمی (از رده خارج) هیچ‌کدام از این خصوصیات را نداشت، (خصوصیاتی) نظیر شیشه و فرمان برقی که خودروهای مدرن را فوق‌العاده می‌سازند.

(۱) تحریک‌آمیز (۲) مسلم (۳) متعاقب (۴) قدیمی - از مد افتاده
antiquated به معنی از مد افتاده می‌باشد و با outdated مترادف است.

| منبع | مترادف | معنی | سایر گزینه‌ها |
|-----------|------------------|------------|---------------|
| TOEFL | annoying | تحریک‌آمیز | provocative |
| TOEFL | incontrovertible | مسلم | conclusive |
| Essential | following | متعاقب | subsequent |